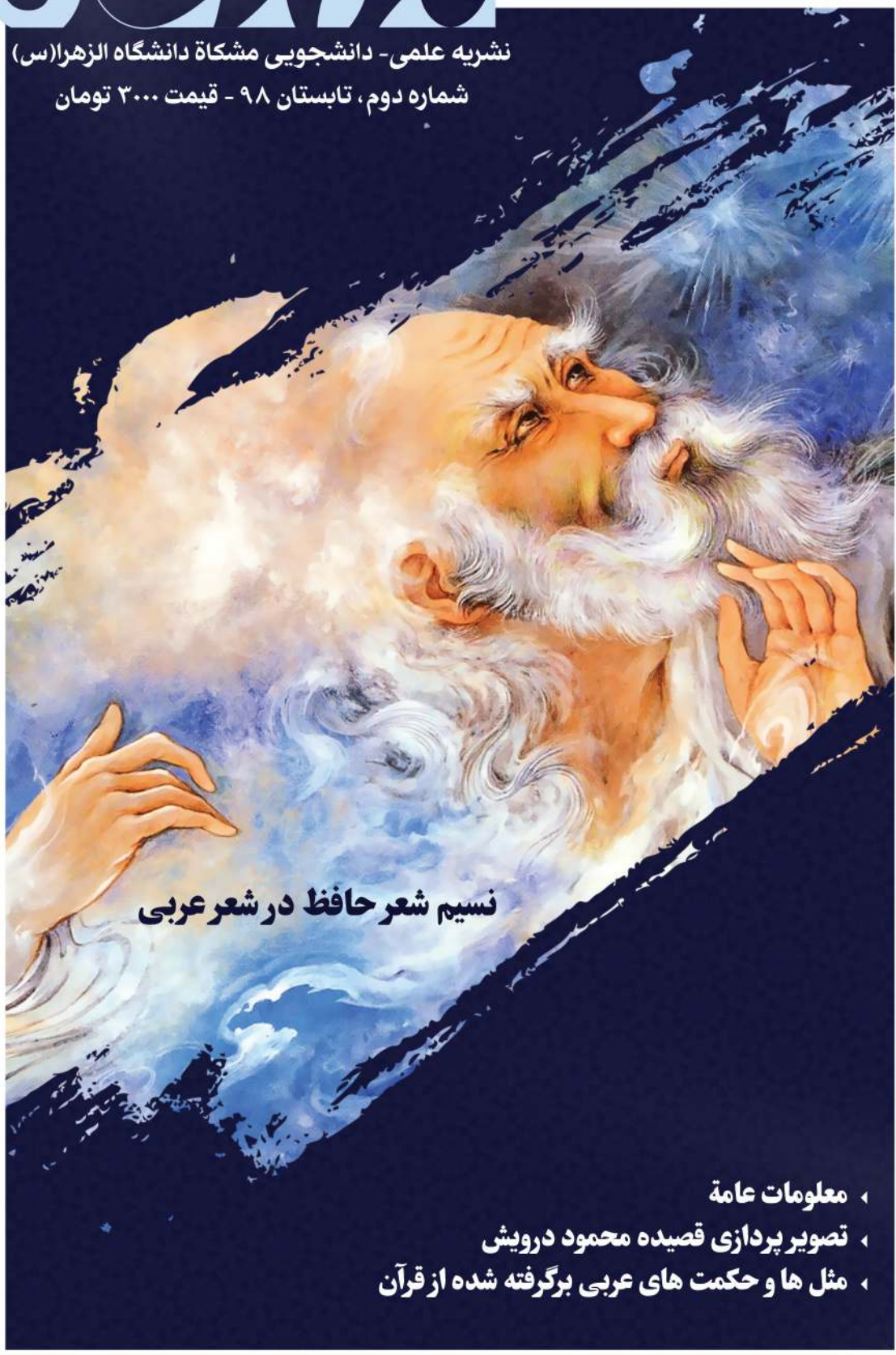


نشریه علمی - دانشجویی مشكاة دانشگاه الزهراء(س)
شماره دوم، تابستان ۹۸ - قیمت ۳۰۰۰ تومان



نسیم شعر حافظ در شعر عربی

- ◀ معلومات عامة
- ◀ تصویرپردازی قصیده محمود درویش
- ◀ مثل ها و حکمت های عربی برگرفته شده از قرآن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

PDF Compressor Free Version

مشقاة

شماره ۲ - تابستان ۹۸

سخن سردبیر / ۱۴
شعر: إذا هجرت فمن لی / ۱۴
مراسم تجلیل از دکتر نادر نظام طهرانی / ۱۴
من زرع حصد / ۱۴
معرفی کتاب: الفارات / ۱۸
شیرینی های عربی / ۱۵
تصویر پردازی قصیده محمود درویش / ۱۴
مثل ها و حکمت های عربی برگرفته شده از قرآن / ۱۴
معلومات عامه / ۱۴
امتزاج بین شعر عربی و فارسی / ۱۸
رومانتسیم / ۱۴

صاحب امتیاز: انجمن علمی - دانشجویی زبان و ادبیات عربی دانشگاه الزهراء (س)
مدیر مسئول: مهدیه هادی
سردبیر: فاطمه فرجی
استاد مشاور: دکتر یسرا شادمان

اعضای هیأت تحریریه: مهدیه هادی، آریتا عزیزی، نرگس علی جمعه زاده، نفیسه قلیچی نژاد، حنانه قاسمی، ریحانه یزدی، المیرا دخیلی، فاطمه احمدی، مبینا مردان زاده، پریسا جعفرزاده

طراح و صفحه آرا: علیمرتضی عینی

نشانی: تهران میدان ونک، میدان شیخ بهایی، دانشگاه الزهراء (س)

سخن بسیر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قد نجد في تربية الولد الثاني متعة أكبر وأحسن، وقد نشعر
بثقل على الأكتاف عند قبول المسؤولية، خاصة حين نراها
تحمّل على العاتق ثقلًا أكبر فأكبر، بمضي الأيام واحداً تلو
الأخر، غير أنّها في الوقت نفسه تضع بين يدينا وردة عطرة
تفوح بعطر يزداد يوماً بعد يوم.

إن العدد الثاني من مجلة "مشكاة" الطلائية، كمصباح يرمي
من وراء التالقي، يسهو اللغة العربية و آدابها، مهما كان
الضوء ضئيلاً. فيبدل جهده ليزيد من معلومات هواة هذه
اللغة و لو بكلمة أو بحرف؛ فإن الحرف تعادل قيمته الذهب،
إذا تناثر من فوهة القلم الذي أقسم الله به عسى أن يفيد.

و من الله التوفيق



گویی پرورش فرزند دوم، لذتی عمیق تر و بهتری را در
خودش دارد. گویی در دست گرفتن کار جدید بر دوش
انسان بار مسئولیت می گذارد و روز به روز سنگین تر می
شود و از طرفی در دست انسان گلی معطر می گذارد که
روز به روز خوشبو تر می شود.

شماره ی دوم مشكاة چون چراغی ست که می خواهد در
آسمان ادب و زبان عربی روشنایی هر چند کوچکی باشد تا
بتواند حتی کلمه ای حتی حرفی به دانش علاقه مندان این
زبان بیفزاید، که یک حرف هم ارزش دارد و وقتی از قلم
تراود چون طلا ارزشمند است، همان قلمی که خداوند به آن
قسم خورده "ن و القلم".

باشد که قدم در این راه پایدار و مفید باشد.

و من الله توفيق



المیرا دخیلی کارشناسی ورودی ۹۴

إذا هجرتَ فمن لي

إذا هجرتَ فمن لي
و من يجمَلُ كلي
و من لروحي و راحي
يا أكثري و أقلي
أحبك البعض مني
وقد ذهبت بكلي
يا كل كلي فكن لي
إن لم تكن لي فمن لي
يا كل كلي و أهلي
عند انقطاعي و ذلي
ما لي سوى الروح، خذها
و الروح جهد المقلبي

اگر تو رهایم کنی، دیگر کسی برایم نمی ماند
و کسی به من زیبایی نمی بخشد
و کسی برای روحم و آسایشم نیست
ای فزونی و کاستی من!
نیمی از وجودم برای توست
تو تمام من را با خودت بردی
ای تمام وجودم! برای من باش
اگر تو برایم نمایی پس چه کسی بماند؟!
ای تمام من و صاحبم
هنگام جدایی و ضعف من
چیزی جز روحم برایم نمانده، آن را هم بگیر
و این روح کمترین چیزی است که دارم.

«الحسين بن منصور الحلاج»

الترجمة الديوان حافظ " بكتابة دكتور نادر نظام تهراني باللغة العربية و بالنظم ستنتشر في السوق الكتاب

مبينا مردان زاده، كارشناسی ورودی ۹۵



وأضفاف، ثم بدأت بالترجمة والحقيقة كان عملاً شاقاً جداً كنت اجلس في كل يوم من الصباح حتى المساء لأقوم بترجمة غزل واحد وهكذا تابعت العمل، كل يوم أعمل هذا حتى حينما كنت اجلس للغداء مع زوجتي كنت أفكر بحافظ، كانت تكلمني أحياناً ولا انتبه لكلامها، في الليل أيضاً كنت دائماً بين الصحو والنوم وأنا أفكر بحافظ أي عشت في حافظ أكثر من ثلاث سنوات حتى استطعت ان اترجمه بهذه الدقة. اعتقد أنه لا توجد ابداً ترجمة بهذه الدقة لحافظ في أي لغة في العالم.

وقام الدكتور نادر نظام خلال هذه المراسم بقراءة اشعاره المترجمة لغزليات حافظ، حيث لاقت هذه الترجمة ترحيباً حاراً من قبل الحاضرين.

وصدرت الترجمة العربية لديوان حافظ من قبل دار "آواي خاور" للطباعة والنشر، حيث ستباع قريباً في الاسواق مرفقة بشريط صوتي جرى تسجيله بصوت الاستاذ نادر نظام.

وأضفاف، ان الشعر غير قابل للترجمة وان فصاحة وبلاغة لغة ما لا يمكن ترجمتها الى لغة اخرى، معتبراً انتقان الدكتور نظام للغة الشعر والعروض ومعرفته التامة بصعوبات الترجمة هي من الخصائص التي منحت هذا الاستاذ الجراحة اللازمة لترجمة هذا الاثر الفاخر. وأشار الى انه انجزت ترجمات عديدة لديوان حافظ الى مختلف اللغات، معتبراً ترجمة الدكتور نادر نظام لديوان حافظ فريدة ومنقطعة النظير، قائلاً، لربما احد الى الان على ترجمة هذا الديوان شعراً.

وفي هذه المراسم أشار الدكتور "نادر نظام" الى جهوده المتواصلة لترجمة هذا الاثر، قائلاً، في الحقيقة حينما بدأت بالترجمة كنت خائفاً ألا ان استطعت ان اتمها ولكن الله تعالى و الحمد لله اعطاني القوة لأستطيع ان انهي هذا العمل الكبير. أما كيف قيمت هذا العمل

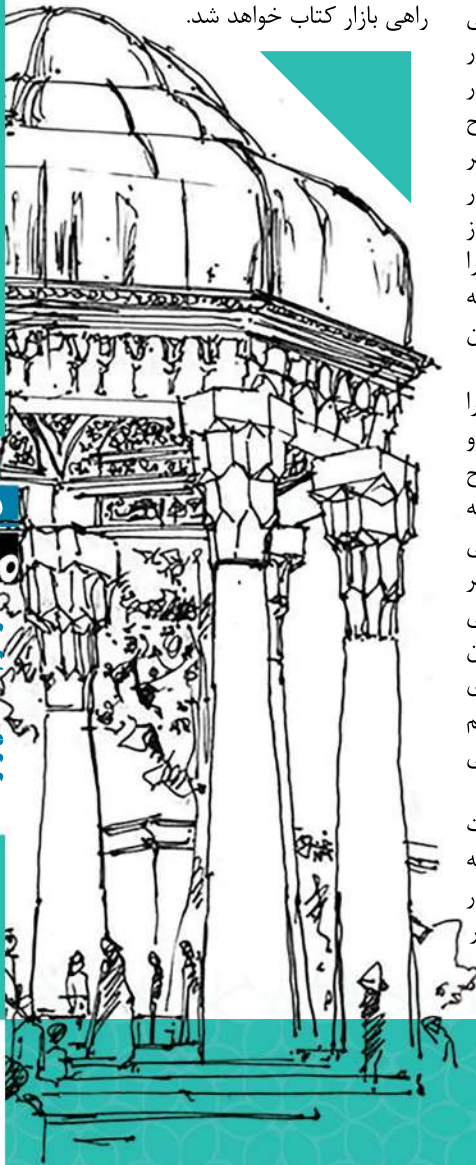
في الحقيقة، بدأت اولاً بقراءة الشروح المختلفة، والسيد الدكتور واعظ وضع مكتبته تحت تصرفي وأخذت كل شيء منها وبدأت أقرأ الشروح المختلفة حتى أستطعت ان ادرك حافظ جيداً أي أصبح حافظ العصر.

أقيمت مراسم تكريم الدكتور نادر نظام طهراني في جامعة الزهراء بالعاصمة الايرانية طهران لترجمته ديوان الشاعر الايراني الكبير حافظ الشيرازي الى اللغة العربية. ولد الشاعر، الناقد، المترجم، والأديب المعاصر ايراني الاستاذ الدكتور نادر نظام طهراني عام ۱۹۳۳ في العاصمة السورية دمشق رحل الى إيران، عام ۱۹۶۴، وبدأ بالتدريس في كلية الترجمة، وفي عام ۱۹۷۲، قام بتأسيس فرع اللغة العربية في هذه الكلية، كما قام بتأسيس فرع اللغة العربية في المدرسة العليا للغات الاجنبية. كما حصل على درجة أستاذ مساعد عام ۱۹۹۶ ودرجة أستاذ فقد حصل عليها عام ۲۰۰۲.

وبشكل عام، فهو شاعر من الطراز الاول، ومثقف القرية، يهب شعره كالسيم العليل فينحش الجسد. الدكتور "سعيد واعظ" من أساتذ الجامعة خلال هذه المراسم التي أقيمت برعاية الدكتور رقية رستم بور مديرة قسم اللغة العربية بجامعة الزهراء، عن تقديره للترجمة القيمة التي انجزها هذا الدكتور، قائلاً، ان الدكتور نظام كان في ترجمته لهذا الديوان وفي النص الرئيسي.

«ترجمه دیوان حافظ» که به قلم دکتر نادر نظام تهرانی به زبان عربی و به زبان شعر ترجمه شده است، بزودی در بازار کتاب منتشر خواهد شد

می کند به هیچ وجه ترجمه ای به این دقت از حافظ در هیچ زبانی در جهان وجود ندارد. نادر نظام همچنین در این مراسم به قرائت اشعار ترجمه شده خود از غزلیات حافظ پرداخت که با استقبال گرم حاضران در این مراسم همراه شد. این کتاب که از سوی نشر آوای خاور منتشر شده به زودی با سی دی شامل صدای استاد راهی بازار کتاب خواهد شد.



خواند و گفت: تا حالا کسی جرات نکرده است که این دیوان را به زبان شعر ترجمه کند.

در این مراسم دکتر نادر نظام با اشاره به تلاش های شبانه روزی ایش برای ترجمه این اثر ماندگار گفت: در حقیقت زمانی که کار ترجمه را شروع کردم از اینکه نتوانم آن را به پایان برسانم بسیار نگران بودم و از این امر ترس داشتم اما به حمد و قوه الهی توانستم که این کار را به پایان برسانم اما در حقیقت اینکه چگونه به انجام این کار پرداختم این است که خواندن شروح مختلف این کتاب را آغاز کردم و دکتر واضع کتابخانه یشان را در اختیار من قرار دادند و من هر کتابی که میخواستم را از انجا برمیداشتم و خواندن شروح مختلف را شروع نمودم تا اینکه توانستم حافظ را به خوبی درک نمایم و حافظ عصر و زمان باشم.

نادر نظام در کار ترجمه دیوان حافظ را بسیار سخت و طاقت فرسا توصیف کرد و گفت: هر روز از ساعت هفت و هشت صبح تا شب می نشستم تا یک غزل را ترجمه کنم. هر روز کار من این بود؛ حتی وقتی سر میز نهار با همسرم بودم، به حافظ فکر می کردم و گاهی همسرم با من صحبت می کرد ولی من متوجه صحبت های ایشان نبودم. شبها نیز همواره بین خواب و بیداری به حافظ فکر می کردم و در واقع باید بگویم که من بیش از سه سال با حافظ زندگی کردم تا توانستم با این دقت ترجمه کنم.

وی با تاکید بر اینکه با حافظ در این مدت زندگی کرده است، ترجمه دیوان حافظ به زبان عربی را بهترین ترجمه در نوع خود در بین زبان های خارجی دانست و گفت: فکر

مراسم تجلیل از دکتر نادر نظام تهرانی به خاطر ترجمه دیوان حافظ شیرازی شاعر بزرگ ایرانی به زبان عربی امروز در دانشگاه الزهراء در پایتخت ایران، تهران برگزار شد. دکتر نادر نظام تهرانی شاعر، ناقد، مترجم و ادیب معاصر ایرانی در سال ۱۹۳۳ در پایتخت سوریه، دمشق به دنیا آمد و در سال ۱۹۶۴ به ایران سفر کرد و در دانشکده ترجمه شروع به تدریس نمود. در سال ۱۹۷۲ به تاسیس رشته زبان عربی در همین دانشکده همت گمارد، همچنین به تاسیس رشته زبان عربی در مدرسه عالی زبانهای خارجی پرداخت. در سال ۱۹۹۶ به درجه دانشجویی و در سال ۲۰۰۲ به مرتبه استاد تمامی رسید. به طور کلی ایشان شاعری طراز اول، خوش ذوق هستند و شعر هایشان چون نسیمی بر جان آدمی مینشیند.

در این مراسم دکتر سعید واعظ از اساتید دانشگاه به همراه دکتر رقیه رستم مدیر گروه زبان عربی دانشگاه الزهراء به تجلیل از خدمات و ترجمه با ارزش این استاد پرداختند و دکتر واعظ همچنین گفتند: دکتر نظام در ترجمه این دیوان، به اصل متن وفادار بوده اند.

همچنین دکتر واعظ افزودند: با اینکه شعر قابل ترجمه نیست و فصاحت و بلاغت یک زبان را نمی توان به زبان دیگری ترجمه کرد، تسلط استاد به زبان شعرو عروض و آشنایی کامل وی به پیچ و خم های ترجمه از ویژگی هایی است که به این استاد جرات و جسارت لازم برای ترجمه این اثر فاخر را داده است.

وی با اشاره به اینکه دیوان حافظ به زبان های مختلفی ترجمه شده است، ترجمه دکتر نادر نظام از دیوان حافظ را بی همتا و بی نظیر

من زرع حصد

پریسا جعفر زاده، کارشناسی ورودی ۹۶

الرجل مالك أكبر مخزن للمواد الغذائية بدأ الرجل يفكر بالمستقبل إلى أن قرر أن يؤمن الشركة عند أكبر شركات التأمين وفي مقابلة مع موظف شركة التأمين قال الموظف : أنا موافق ولكن أحتاج بريدك الالكتروني لأرسل لك عقد التأمين، فأجاب الرجل : بأنه لا يملك بريد الالكتروني وحتى انه لا يملك كومبيوتر، رد موظف التأمين - مستغربا - : لقد أسست أكبر شركة للمواد الغذائية وبخمس سنوات ولا تملك بريد الالكتروني ماذا كان يحدث لو انك تملك بريد الالكتروني. رد الرجل عليه : لو كنت أملك بريد الالكتروني قبل خمس سنوات لكنت الآن أنظف مراحل شركة مايكروسوفت !! أحيانا يمنع الله عنك أمراً تحسبه أنه الصالح لك.

كومبيوتر يعني أنك غير موجود وان كنت غير موجود يعني انك لا تستطيع العمل عندنا، خرج الرجل العاطل عن العمل مستاء! و بطريقه اشترى بكل ما يملك - وهو ١٠ دولارات - كيلو جرام من الفراولة وبدأ بطرق الابواب لبيعها، في نهاية المطاف ربح الرجل ٢٠ دولاراً، بعد هذا أدرك الرجل أن العمله ليست بالصعبه، فبدأ في اليوم التالي بتكرار العمله ٣ مرات وبعد فترة بدأ الرجل بالخروج في الصباح الباكر ليشتري أربعة اضعاف كمية الفراولة، وبدأ دخله يزداد إلى أن استطاع الرجل شراء دراجه هوائية وبعد فترة من الزمن والعمل المجاد استطاع الرجل شراء شاحنة إلى أن أصبح الرجل يملك شركة صغيره لبيع الفراولة بعد خمس سنوات أصبح

سوف نسرد عليكم اليوم أصدقائي قصة قصيرة ورائها حكمة كبيرة لنعتر ونؤكد بأن وراء كل تعسير تيسير بإذن الله ، و إن أغلقت أمامك أبواب فذلك لأن هنالك أبواب أضخم ستفتح لك، فيجب علينا التأني و حمد الله على كل ما يصيبنا من خير أو شر. نتركم الآن مع القصة المشوقة أملين أن تنال إعجابكم: تقدم رجل عاطل عن العمل لشغل وظيفة منظم مراحل لمقابلة مع مدير الشركة قال المدير للعاطل عن العمل: انك قبلت في الوظيفة لكن نحتاج بريدك الالكتروني لنرسل لك عقد العمل والشروط، فرد الرجل العاطل عن العمل : أنه لا يملك بريد الالكتروني وليس لديه جهاز كمبيوتر في البيت، فأجابه المدير : ليس لديك جهاز



دوستان امروز قصه ای را برایتان تعریف خواهیم کرد که حکمت بزرگی پشت آن است برای این که عبرت بگیریم و مطمئن شویم که به اذن خدا بعد هر سختی آسانی است و اگر درها در برابرت بسته شود این امر به این دلیل است که درهای بزرگتری وجود دارد که باز خواهد شد پس باید در برابر هر خیر و شری که خدا ما را به آن دچار می کند صبر کنیم و شکر خداوند را به جای آوریم. امیدواریم این قصه تاثیر گذار مورد علاقه شما باشد.

مرد بیکاری برای استخدام به عنوان نظافتچی سرویس بهداشتی برای دیدار با رئیس شرکت به آنجا رفت. مدیر به مرد بیکار گفت: تو در استخدام قبول شدی اما ما به ایمیل تو برای ارسال قرارداد کاری و شرایط نیاز داریم. مرد بیکار جواب داد که:

ایمیل و کامپیوتری ندارد.
مدیر به او گفت که: تو کامپیوتر نداری یعنی نیستی و اگر نباشی یعنی نمی توانی پیش ما کار کنی. مرد ناراحت از شرکت خارج شد. او با کل پولی که داشت "۱۰ دلار" یک کیلو توت فرنگی خرید. و برای این که آن را بفروشد شروع به زدن درها کرد. در آخر دوره گردی، مرد ۲۰ دلار سود کرد و بعد از این که مرد فهمید که این کار سخت نیست و روز بعد مرد ۳ بار این کار را تکرار کرد. مدتی بعد مرد صبح زود برای خرید ۴ کیلو توت فرنگی از خانه خارج می شد و درآمدش کم کم زیاد شد تا حدی که مرد توانست یک دوچرخه بخرد بعد از گذشت زمان و مدتی بعد از کار سخت مرد توانست یک کامیون بخرد تا جایی که مرد صاحب یک شرکت کوچک فروش توت فرنگی شد.

بعد ۵ سال این مرد صاحب بزرگترین محل نگهداری مواد غذایی شد و مرد شروع به فکر به آینده کرد تا این که تصمیم گرفت تا شرکت را در بزرگترین شرکت های بیمه، بیمه کند و در دیدار با کارمند شرکت بیمه، کارمند گفت: من موافقم ولی برای ارسال قرار داد بیمه به ایمیل شما نیاز دارم.

مرد گفت که او ایمیل و حتی کامپیوتر ندارد. کارمند بیمه با تعجب گفت: تو بزرگترین شرکت مواد غذایی را تاسیس کرده ای و ۵ سال است که ایمیل نداری!!!

چه میشود اگر ایمیل داشته باشی؟!
مرد به او گفت: اگر ۵ سال پیش ایمیل داشتم الان داشتم سرویس بهداشتی های شرکت میکروسافت را تمیز می کردم. گاهی خدا تو را از کاری که فکر می کنی به نفع توست منعت می کند.



مشق

شماره دوم - تابستان توت و هشت



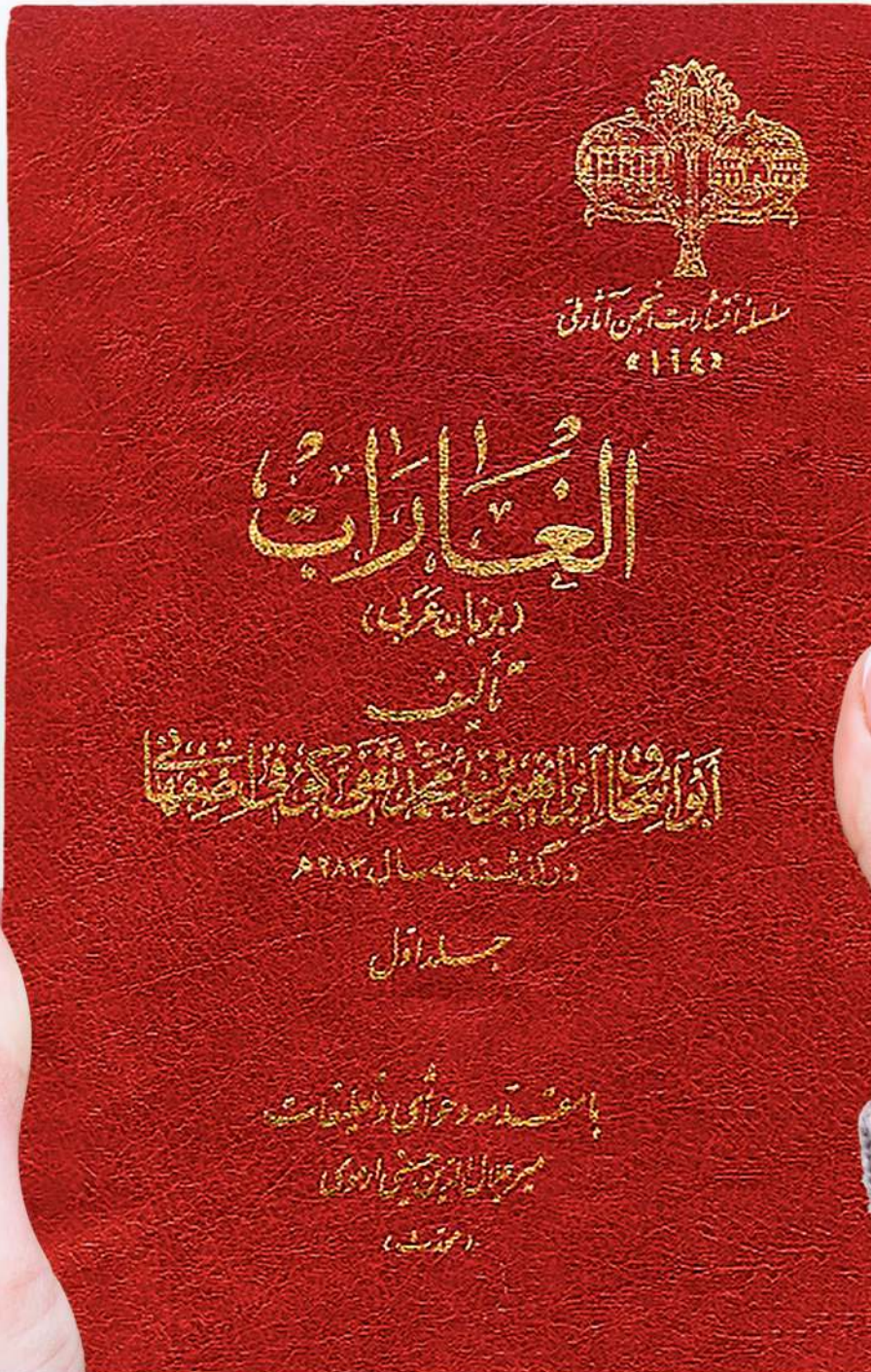
معرفی کتاب

PDF Compressor Free Version

نرگس علی جمعه زاده،
کارشناسی ارشد ورودی ۹۵

الغارات

«الغارات» یا «الاستنفار و الغارات» از جمله بزرگ ترین آثار ادبی- تاریخی دنیا و به ویژه جهان اسلام، و از معتبرترین کتب اسلامی و از منابع کمتر شناخته شده در باب شیوه و آداب کشورداری علی (علیه السلام) از جنگ نهروان تا زمان شهادت حضرت است؛ که به خوبی سیره سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و سطح زندگی حاکم اسلامی، ریزش ها و رویش ها در حکومت علوی، رفتار کارگزاران حکومت اسلامی و بازتاب رفتارهای مثبت و منفی آن ها را شامل می شود. کتاب از جهت محتوا، دربردارنده خطبه ها و نامه های علی (علیه السلام)، بعد از نبرد نهروان است.



هدف مؤلف از نگارش اثر، نمایاندن ستم‌ها و حيله‌هایی است که معاویه در هجوم به نواحی تحت امر امام علی (علیه السلام)، بعد از جنگ نهروان به کار بسته است و قطعاً به واسطه همین امر بوده است که نام کتاب خود را با اقتدا به کلام امام (علیه السلام) در خطبه‌ای معروف به خطبه جهاد، که ذکر آن در این کتاب نیز موجود است، برگزیده است. آنجا که امام علی (علیه السلام) کوفیان را در باب سربیزی در مساله جهاد نکوهش کرده، می‌فرماید: «... فِتْوَاكُمُ وَتَخَادَلْتُمْ حَتَّى شَتَّتْ عَلَيْكُمُ «الغارات» وَ مَلَكْتُ عَلَيْكُمُ الْاَوْطَانَ ...» پس درباره جهاد سستی کرده و هر کدام اقدام برای جهاد را منوط به اقدام دیگری دانستید، تا آنکه دشمن به شما «هجوم‌ها» آورد و سرزمین‌های شما را اشغال کرد»

جایگاه علمی الغارات

جایگاه علمی کتاب به گونه‌ای است که بسیاری از علمای اسلامی، از اهل سنت و شیعه، در تألیفات خود، به همه یا بخش‌هایی از کتاب استناد داشته‌اند. از جمله:

- ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی رازی در «الکافی».
- ابن بابویه، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین قمی در «من لا یحضره الفقیه».
- ابوجعفر محمد بن الحسن بن علی طوسی در «التهذیب و الإستبصار».
- ابن ابی الحدید در «شرح نهج البلاغه».
- علامه امینی در «الغدیر».
- محمد بن جریر طبری در «تاریخ طبری».

نویسنده الغارات

نام و نسب: ابواسحاق ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال بن عاصم بن سعد بن مسعود ثقفی کوفی.

«نسب وی به «سعید بن مسعود ثقفی» عموی «مختار بن ابی عبید ثقفی» می‌رسد که از طرف امیرالمومنین (علیه السلام) والی مداین بوده و در زمان امام حسن (علیه السلام) نیز والی بود و امام حسن (علیه السلام) بعد از آنکه جراح بن سنان در مظلم سبابا مداین، بر ایشان زخم زد، بر او وارد شد و او جراح آورد و به معالجه زخم آن حضرت مشغول شد»

القاب: ثقفی، کوفی، اصفهانی (در قسمت‌های بعد به توضیح آن‌ها خواهیم پرداخت).
کنیه: ابواسحاق، معروف به ابراهیم.
ولادت: تاریخ ولادت وی در دسترس نیست، اما برخی ولادت وی را به سال ۲۰۰ (ه.ق) ذکر کرده‌اند. ابراهیم در شهر کوفه دیده به جهان گشود.

وفات: وفات وی بنا بر اقوال معروف، سال ۲۸۳ (ه.ق) بوده است. بسیاری معتقدند که او از معمرین بوده است (ر.ک. القمی، ۱۳۵۸).

آثار: ثقفی حدود پنجاه جلد کتاب نگاشت که تقریباً هیچ یک از آن‌ها به دست ما نرسیده است؛ به جز «الغارات». به نوشته محدث ارموی، نسخ این کتاب نیز از قدیم الایام «عزّ از کبریت احمر و نایاب تر از سیمرغ و کیمیا بوده است». الغارات اولین بار در دو مجلد، بالغ بر ۱۱۲۴ صفحه، با فهرست کامل، در تهران، با حواشی و تعلیقات میسوط میر جلال الدین محدث ارموی، در سال ۱۳۹۵ هجری قمری، مصادف با سال ۱۳۵۳ هجری شمسی، با مقدمه‌ای قریب به صد صفحه به چاپ رسید. اصل کتاب به زبان عربی است، اما مقدمه شانزده صفحه‌ای کتاب که توسط میر جلال الدین محدث ارموی نگاشته شده، به زبان فارسی می‌باشد. روند دسترسی به این کتاب ماجرای طولانی دارد که شرح آن در این جستار نمی‌گنجد. از دیگر شارحان الغارات، می‌توان به عبد الزهرا حسینی اشاره کرد. البته کتاب بارها توسط مترجمان، محققان و علمای اسلامی و ایرانی، به زبان‌های عربی و فارسی ترجمه و شرح داده شده است. بسیاری معتقدند که اصل کتاب که شامل مقدمه و شرح خود ثقفی است، همان نسخه‌ای است که در «کتابخانه ظاهریه دمشق» موجود است (ر.ک. التوری، ۱۳۲۱). از دیگر آثار او می‌توان به: «المعرفه فی المناقب و المثالب»، «ما نزل من القرآن فی أمیرالمومنین (علیه السلام)» و... اشاره کرد.

هجرت: در باب سبب هجرت وی، از کوفه به اصفهان که نقطه عطفی در زندگی این محقق و نویسنده بزرگ محسوب می‌شود، چنین ذکر شده که: «سبب انتقال وی از کوفه به اصفهان آن بوده است که وی

کتابی به نام «المعرفه فی المناقب و المثالب» را در ذکر مناقب اهل بیت (علیهم السلام) و مثالب دشمنان آنان نگاشت و در کوفه منتشر کرد. کوفیان از این کتاب استقبال بی سابقه‌ای کردند و از او خواستند که کتاب خود را از کوفه خارج نکند. اما او سوگند یاد کرده بود که کتاب را در مکانی نشر دهد که اهالی آن به جهت عقیده دورتر از اسلام بوده و محبّ اهل بیت (علیهم السلام) نباشند. پس جستجو کرده و اصفهان را می‌یابد و با وجود اینکه بسیاری از علما او را از در خطر بودن جانش آگاه می‌کنند، اما مصمم هجرت کرده و کتاب خود را در اصفهان نشر می‌دهد. حتی گروهی از علمای بزرگ قم از جمله «احمد بن ابی عبد الله برقی» از اعظام علمای شیعه و مولف کتاب شریف «المحاسن» به خدمت وی آمده و از او درخواست کردند که به قم منتقل شود؛ ولی او نپذیرفت و تا آخر عمر در اصفهان ماند و علمای بزرگی از قبیل «احمد بن علویّه اصفهانی» از محضر او بهره بردند. از این رو، او را «ابراهیم بن سعید اصفهانی» نیز خوانده‌اند. محدث قمی (رحمه الله) در «تتمه المنتهی» می‌گوید: «... از اینجا معلوم شد که اهل اصفهان در آن اعصار غیر امامی بودند بلکه از جای دیگر معلوم شده که در طریق نصب و عناد بودند. پس احادیثی که در مذمت اهل اصفهان وارد شده، محمول بر زمان‌های سابق است؛ آنگاه سه حدیث که بر این مدعا دلالت می‌کند، نقل کرده و گفته است: «احادیث مذکور و امثال اینها تمام مخصوص همان زمان‌ها بوده و إلا در ازمنه متاخره، خصوص از زمان‌های سلاطین صفویه تا زمان ما بحمدالله بلده اصفهان قبه اسلام و محط رجال اهل ایمان و همیشه مرکز علم و علما بوده و قبور شریف بسیاری از اعظام علما که حصر نتوان نمود، در آن بلده است.»



شیرینی های عربی

الحلويات العربية

من الفاتنة الأكثر وضوحًا ، ذكرها الشعراء العرب وغير العرب ، وقد ورد ذكرهم في كتابات الكتاب وآيات الشعراء لأن الحلويات العربية هي من بين أكثرها شهرة وشهرة في العالم. قبل الأكل وبعده ، لا تعد الطاولات العربية من الحلويات الفارغة وهي أحد تقاليد المنطقة العربية.

شیرینی های عربی همیشه از خوش مزه ترین ها بوده، شاعران عرب و غیر عرب از آن یاد کرده و در نوشته های کتاب و ابیات شعرا آورده شده، چرا که شیرینی های اعراب از محبوب ترین و مشهورترین در سطح جهانی بوده. قبل وبعد از غذا سفره های عربی هرگز از شیرینی جات خالی نبوده و یکی از رسومات منطقه عربی می باشد.

بسبوسة

مع بداية شهر رمضان والصيام، يحتاج الصائم إلى مصدر غذائي جيد للتعويض عن الصيام، والحلويات هي واحدة من هذه الموارد الغنية بالسعرات الحرارية، ومن أهمها بسبوسة ولها أسماء أخرى و هما النمورة والحريسة. أن هذه الحلوى اللذيذة معروفة في الدول العربية، وخاصة في رمضان، مع القهوة العربية، وفقاً لعادات والتقاليد التي تقدم في قدر مع فنجان من القهوة العربية اللذيذة، الأولى في الشرق الأوسط دائماً ولها المكانة الأولى وتستخدم طرق مختلفة لإعداده و تحضيره؛ وهو مصحوب بالزبادي أو الكريمة، إلخ، وكلها ذات مذاق سحري. انهم راضون عن نكهته و ذوق مميزة و استثنائي.

كنافة

لا توجد مأدبة عربية خال من هذه الحلويات اللذيذة، ويتم إعداد المأكولات بعناية وطهيها بأفضل طريقة، مع الكريمة أو الجبن، مما يضيف إلى مذاقها السحري. لقد بدأت قصة كنافه من الشعب العربي، و أكثر تحديداً في سوريا ومصر. بعد وصولها إلى هذين البلدين، مر الوقت وأصبحت مشهوراً في غرب المنطقة العربية حتى وصلت إلى الجزائر، حيث كان يُعرف باسم "القطايف" وتم تقديمها بنفس التقاليد القديمة في أفراس وحفلات الزفاف. "ملك الحلويات" هي بالفعل ملك الحلويات.

بلح الشام

بلح الشام هي نفس الفأل الذي يقضيه رمضان كل عام مع سولبي على طاولة الإفطار. أصلها من سوريا، وكان تسمية هذا المعجنات بسبب صانعيها، الذي طبخه بشكل التمر غير ناضج. لن تجد طاولة في سوريا تخلو الحلويات. يا كلون بلح الشام مع القطر أو شيرة و السعرات الحرارية والطاقة مرتفعة تقوى الجسم و تسبب الفرح و الجذل.



بسبوسة

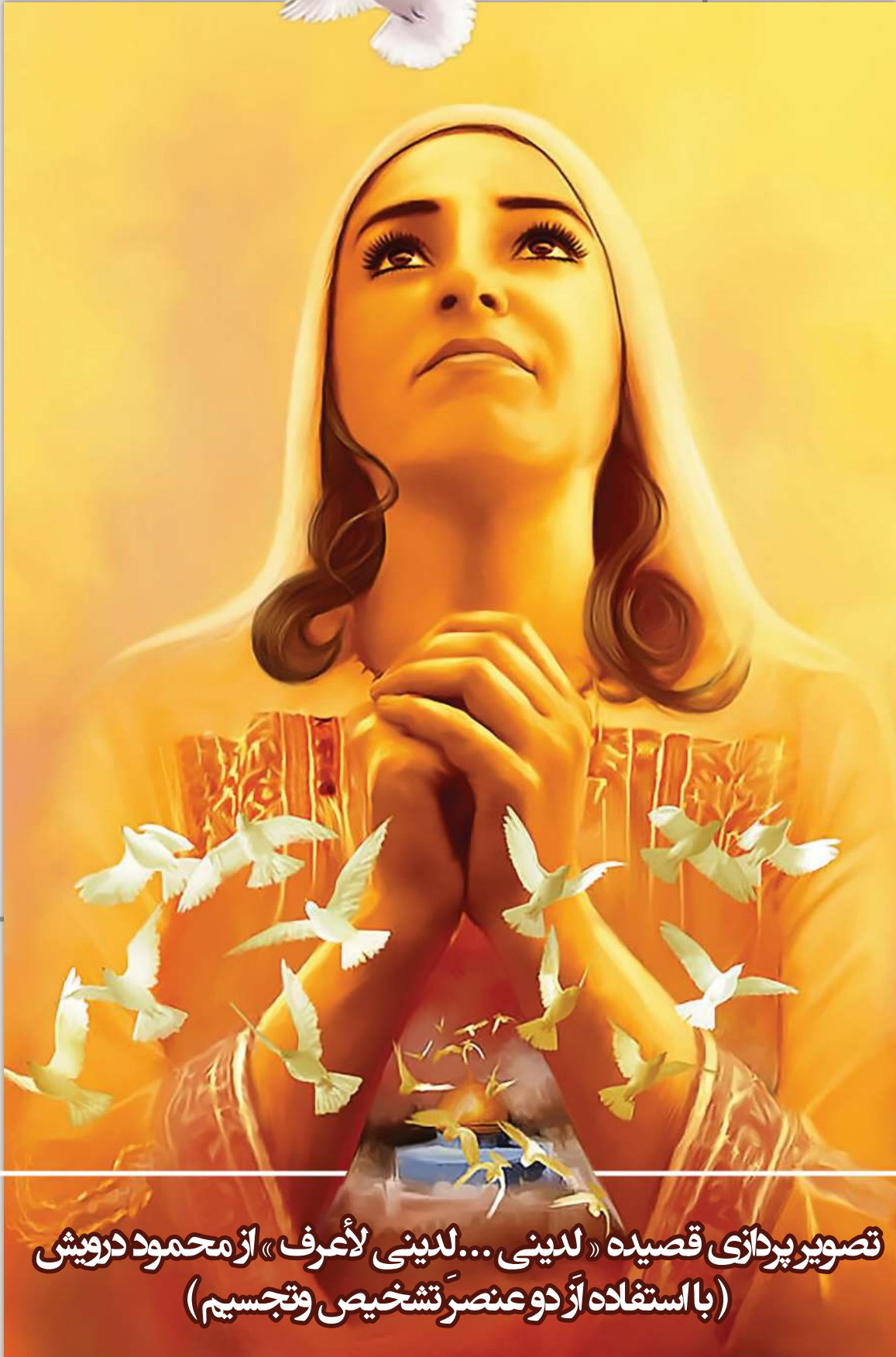
با شروع ماه رمضان و روزه داری، روزه دار نیازمند یک منبع غذایی مناسب برای جبران روزه است، شیرینی جات یکی از این منابع بوده که سرشار از کالری هستند یکی شاخص ترین آن ها بسبوسه بوده که با اسم های "النموره" و "الهریسه" هم از آن یاد میکرده اند، این دسر خوشمزه در کشورهای عربی و علی الخصوص در ماه رمضان به همراه قهوه عربی مشهور شده، طبق عادات و رسوم بسبوسه در یک ظرف به همراه قهوه خوش عطر عربی سرو میشود، بسبوسه در خاورمیانه همیشه حرف اول را زده و روش های متنوعی برای تهیه آن به کار برده میشود؛ همراه ماست و یا خامه و... غیره که همه ذائقه ها را با شکل سحر آمیز و طعم فوق العاده خود راضی کرده است.

کنافه

هیچ ضیافت و مناسبت عربی از این شیرینی لذیذ خالی نبوده، کنافه با دقت بالا و به بهترین شیوه به همراه خامه و یا پنیر تهیه میشود که طعم سحر انگیزش را به ارمغان میاورد. داستان کنافه از اعراب و به طور دقیق تر سوریه و مصر شروع شده است. با نشأت گرفتن در این دو کشور و با مرور زمان و مشهور شدن و سرایت به غرب منطقه عربی به کشور الجزایر رسید که در آن جا به "القطايف" شناخته شد و به همان رسم و رسوم قدیم در شادی ها و عروسی ها تقدیم میشود. "شاه شیرینی ها"، به راستی شاه شیرینی هاست.

بلح الشام

بلح الشام همان بامیه خودمانی است که ماه رمضان هر سال با زولبیا سر سفره افطار است. اصلیتش به سوریه بازمیگردد، وجه نامگذاری این شیرینی به خاطر سازنده های آن بوده که آن را به شکل "بلح" یعنی خرماي نارس پخته اند. سفره ای را در سوریه پیدا نمیکنید که این شیرینی در آنجا نفوذ نکرده باشد. بلح الشام را با شیره سرو می کنند. کالری و انرژی بالای بلح الشام مقوی و نشاط آور می باشد.



تصویرپردازی قصیده «لدینی... لدینی لأعرف» از محمود درویش
(با استفاده از دو عنصر تشخیص و تجسیم)



و اَبْقَى صَبِيًّا إِلَى اَبَدِ الْاَبَدِيْنَ»
در این ابیات نیز شاعر، از شیوه تجسیم استفاده و برای وطن (مادر) بازوانی فرض کرده که بچه اش را مورد حمایت می دهد و به او آرامش می دهد. شاعر از شرایطی که در تبعیدگاه دارد رنج می برد و آرزو می کند به زمانی برگردد که طفلی شیرخواره بوده و در دامن مادرش (فلسطین) شیر می نوشیده و بر بازوان پر مهر مادرش (زادگاهش) آرامش پیدا می کرده است. شاعر آرزو می کند برای همیشه با همان خاطرات شیرین کودکی اش در کنار مادرش بماند و هیچ وقت از او جدا نشود.

«رأيتُ كثيراً أُمِّي رأيتُ
لديني لأبقي علي راحتيك
أما زلت حين تحبيني تشدين
و تبكين من أجل لاشيء»

در این ابیات شاعر، شاید از رنج هایی که دیده به مادرش (وطن) شکایت می برد. زیرا مادر را بهترین پناهگاه خود می داند. در اینجا باز هم شاعر از شیوه تجسیم استفاده کرده و برای وطن (مادر) دو دست فرض کرده است. شاعر آرزو می کند که دوباره متولد شود تا برای همیشه در کنار مادری که در دوران بچگی او را با دستان پرمهرش مورد نوازش قرار داده، زندگی کند. در ادامه شاعر از عنصر تشخیص استفاده کرده و به وطن شخصیت مادری داده که برای فرزندش آواز می خواند و بدون هیچ بهانه ای گریه سر می دهد، شاعر به مادرش می گوید اگر نزد تو برگردم آیا مثل گذشته برای من لایبی می خوانی و پاک و بی ربا گریه سر می دهی؟ شاعر می خواهد مطمئن شود که اگر روزی از زندان آزاد شود مادرش (فلسطین) او را مثل گذشته می پذیرد.

«أُمِّي!
أَضَعْتُ يَدَيَّ عَلَى خَصْرِ امْرَأَةٍ مِنْ سَرَابٍ
أَعَانِقُ رَملاً أَعَانِقُ ظِلاً
فَهَلْ أَسْتَطِيعُ الرَّجُوعَ إِلَيْكَ أَيُّهَا؟»
در این ابیات، شاعر می گوید که به توهم و امور خیالی سرگرم شده و از امور مهم و واقعی فاصله گرفته؛ می خواهد بگوید که ما را با مسائلی بیهوده مانند صلح و شهرک های آواره نشین مشغول کرده اند و از مسئله اصلی که آزادی فلسطین است باز داشته اند. همچنین به رمل (شن) و ظل (سایه) شخصیت

محمود درویش در قصیده «لدینی ... لدینی لأعرف» از اسلوب خیال پردازی حسی در ترسیم تصویرها بهره برده و برای تحریک تخیل از دو عنصر «تشخیص» و «تجسیم» استفاده کرده است. شاعر ابتدا با استفاده از عنصر تشخیص، به وطن شخصیت مادر داده و از او می خواهد که دوباره او را به دنیا بیاورد زیرا همانطور که مادران، فرزندان را به دنیا می آورند و در دامن خود پرورش می دهند، ساکنان هر سرزمینی هم در پهنه ی آن سرزمین رشد می کنند و پرورش می یابند:

«لدینی ... لدینی لأعرف في أي أرض أموت
و في أي أرض سأبعث حياً
سلام عليك و أنت تعدين نار الصباح
سلام عليك ... سلام عليك»

شاعر که در تبعید و غربت به سر می برد می خواهد بداند آیا در غربت می ماند یا به وطنش بر می گردد. شاعر برای مادرش دعا می کند که سلامت باشد. مادرش را به یاد می آورد که صبح زود بیدار می شده و برای کردن صبحانه آتشی روشن می کرده است و با این عبارات دلتنگی خود را برای زندگی ساده و صمیمی در کنار مادرش (سرزمین فلسطین) را بیان می کند.

«أما أن لي أن أقدم بعض الهدايا إليك
أما أن لي أن أعود إليك؟
أما زال شعرك أطول من عيرنا
و من شجر الغيم و هو يمد السماء إليك
ليحيا؟»

شاعر برای برگشتن به سوی مادرش فلسطین لحظه شماری می کند و می خواهد با تقدیم کردن هدیه، عشق و علاقه خود به سرزمینش را ابراز کند. در اینجا شاعر از شیوه «تجسیم» استفاده کرده و برای وطن (مادر)، گیسوانی بلند فرض کرده که تا آسمان کشیده می شوند، این گیسوان بلند می توانند آسمان را به بارش وادارند. شاعر با این تصویرسازی زیبا، به قدرت و توانایی بالای سرزمینش فلسطین و مردم مقاوم فلسطین اشاره می کند که می توانند فلسطین را از چنگال صهیونیست ها آزاد کرده و دوباره آن را آباد کنند.

«لدینی لأشرب منك حليب البلاد
و اَبْقَى صَبِيًّا عَلَى سَاعِدِيكَ

انسان هایی داده شده که شاعر آن ها را در آغوش می گیرد؛ این عبارات اشاره به این دارد که خود شاعر و تمام فلسطینیان به کسانی (رهبران فلسطین که پیمان صلح با اسرائیل را امضاء کردند) دلخوش کرده اند که از خود هیچ اراده ای ندارند و مانند شن و ماسه به هر شکلی که صهیونیست ها بخواهند در می آیند. همچنین فلسطینیان به کسانی که انسانیت آن ها مانند سایه است و واقعیت ندارد دل بسته اند، در واقع آن رهبران وطن فروش، فلسطینیان را باز بچه دست خود قرار داده اند. در ادامه می گوید آیا می توانم به سوی تو بازگردم زیرا بازگشت به سوی تو همان بازگشت به سوی خویشتن است، با این عبارت، شاعر خودش و مادرش (فلسطین) را یک روح در دو پیکر می داند.

«لَأَمِّكَ أُمَّ
لَتَيْنِ الْحَدِيقَةِ غَيْمٍ
فَلَا تَرَ كَيْفِي وَحِيداً شَرِيداً»
در این ابیات شاعر به فلسطین شخصیت انسانی اصیل داده و می گوید تو با اصل و نسب هستی؛ بی ریشه نیستی یعنی سرزمین فلسطین پیشینه تاریخی با شکوهی دارد. سپس می گوید باغ ها و مزارع تو صاحبانی دارد که بر می گردند و دوباره آن باغ ها و کشتزارها را سیراب و آباد می کنند. شاعر با این عبارات آرزو می کند که مردم فلسطین به خانه و کاشانه اصلی خود باز گردند و دوباره سرزمین فلسطین را مثل گذشته آباد کنند.

حنانه قاسمی
کارشناسی ارشد ورودی ۹۷



هَذَا عَذْبٌ فَرَاتٌ وَ هَذَا مَلْحٌ أَجَاجٌ
(سوره فرقان، آیه ۵۳)

ترجمه: این یکی شیرین و گوارا و این یکی شور و تلخ است.
معادل: نه به آن شوری شور، نه به این بی نمکی.
کاربرد: درباره شخصی به کار می رود که اهل افراط و تفریط است.



لَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّءُ إِلَّا بِأَهْلِهِ
(سوره فاطر، آیه ۷۴)

ترجمه: نیرنگ بد جز اهلش را احاطه نمی کند.
معادل: تَفُّ سر بالا به ریش بر می گردد.
کاربرد: پیامد های فریبکاری در حق دیگران، در نهایت به خود انسان فریبکار بر می گردد.



لَنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَنْ كَفَرْتُمْ
إِنْ عَدَّابِي لَشَدِيدٌ
(سوره ابراهیم، آیه ۷)

ترجمه: اگر شما بر نعمت های خداوند سپاسگزار باشید، بی گمان من هم می افزایم.
معادل: شکر نعمت، نعمت افزون کند کفر نعمت از کفت بیرون کند.
کاربرد: شکر و سپاسگزاری انسان برای نعمت ها و فرصت های داده شده سبب فزونی و فراوانی آنها می شود.

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا
(سوره انعام، آیه ۱۶۰)

ترجمه: هر کس کار نیکی انجام دهد، ده برابر آن {پاداش} خواهد داشت.
معادل: نکو کاری از مردم نیک رای یکی را به ده مینویسد خدای
کاربرد: در وصف نیکوکاری گفته می شود.



مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ أَسَاءَ
فَعَلَيْهَا (سوره فصلت، آیه ۴۶)

ترجمه: هر کس نیکی کند، به سود خود اوست و هر کس بدی کند، به زیان اوست.
معادل: از مکافات عمل غافل مشو گندم از گندم بروید جو ز جو
کاربرد: هر عملی که از انسان سر می زند، چه خوب چه بد، نتیجه آن را می بیند.



وَ لَوْ رَدُّوْا لَعَادُوْا لَمَّا نُهَوِا عَنْهُ
(سوره انعام، آیه ۲۸)

ترجمه: و اگر باز گردانده شوند، قطعاً به آنچه که از آن منع شده بودند، بر می گردند.
معادل: توبه گرگ مرگ است.
کاربرد: آنچه برای انسان عادت شود، ترک آن دشوار و موجب بروز ناراحتی است.



كُلُّ يَعْْمَلُ عَلَيَّ شَاكِلَتَه
(سوره اسراء، آيه ۸۴)

ترجمه: هر کس بر اساس ساختار {روانی و جسمی} خود عمل می کند. معادل: از کوزه همان برون تراود که در اوست. کاربرد: انسان آنچه را که در باطن و درونش دارد، آشکار می کند.



خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ
(سوره حج، آيه ۱۱)

ترجمه: در دنیا و آخرت زیان دیده است. معادل: چوب دو سر طلا. کاربرد: در مورد کسی گفته می شود که سر گردان و نا امید است و در هیچ جا توفیق نمی یابد.

لَا يُسْمِنُ وَ لَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ
(سوره غاشیه، آيه ۷)

ترجمه: نه فربه می کند و نه گرسنگی را برطرف می کند. معادل: جلو بچه بگذاری قهر می کند. کاربرد: وقتی گفته می شود که مقدار بسیار کم از چیزی توسط کسی به انسان داده شود که قابل توجه نباشد.



حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ
(سوره اعراف، آيه ۴۰)

ترجمه: مگر اینکه شتر در سوراخ سوزن داخل شود. معادل: اگر پشت گوشت را دیدی. کاربرد: در مورد امری غیرممکن به کار می رود.



إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ
(سوره علق، آيه ۶ و ۷)

ترجمه: بی گمان انسان سرکشی می کند، همین که خود را بی نیاز پندارد. معادل: یا رب مباد آنکه گدا معتبر شود. کاربرد: در مورد شخصی به کار می رود که وقتی پولدار می شود، گذشته خود را فراموش می کند و در برابر دیگران گردنکشی می کند.



اوراق شجرة الزيتون

- تستخدم أوراق شجرة الزيتون في خفض نسبة السكر في الدم، وذلك بعد غليها بالماء و شرب مائها على صورة شاي.

زيت الزيتون

- يرفع زيت الزيتون نسبة الكوليسترول المفيد في الدم، ويخفض نسبة الكوليسترول الضار.

متي يكون الشاي مضرًا للإنسان ؟

الجواب: يكون الشاي مضرًا للإنسان في أربع حالات وهي على النحو التالي:
١) إذا تم الإفراط في تناوله: حيث يسبب قرحة في المعدة والإثني عشر
٢) إذا تم غليه كثيرا بحيث تحول لونه إلى اللون البني الغامق: حيث يسبب اضطراب في عضلة القلب و إمساك و كسل بالجهاز الهضمي.
٣) إذا تم شربه بعد الأكل مباشرة: حيث يسبب عسر للهضم، لذلك يفضل شربه بعد ساعة من تناول الأكل.
٤) إذا تم شربه على الريق يعني على المعدة الفارغة أو أثناء الجوع: حيث يكون طبقة تسمى (كيتينية) على الغشاء الداخلي للمعدة والأمعاء، مما يمنع خروج عصارات الهضم و يسبب إمساكا و عسر هضم.
و يسبب مرضى حصوات الكلى و مرضى القرحة المعدية أو قرحة الإثني عشر.



معلومات عامة

ريحانه يزدي
كارشناسي ارشد ورودي ٩٧

الريحان

- أثبتت الدراسات أن الريحان
يخفض مستوى الغلوكوز في الدم.
فتناول الريحان بصفة منتظمة يضمن
لك الانتصار في معركتك ضد مرض
السكري

فوائد مضغ أوراق الريحان:
يساعد مضغ أوراق الريحان في تحسين رائحة
الفم و التقليل من ظهور القرحة الفموية و
لكن من غير المنصوح به مضغ كمية كبيرة
منه إذ أن ذلك قد يؤدي إلى الإصابة بالمغص
و الاسهال.



١٧

مشكاة

شبكة كبرى للمعلومات والدراسات



امتزاج بين شعر عربي و فارسي

مهديه هادي
كارشناسي ورودى ۹۴

قلتُ لليل هل بجوفك سرُّ
عامرٌ بالحديثِ والأسرارِ؟
قال لِر ألقى في حياتي حديثاً
كحديثِ العبادِ في الأسجارِ

دم جان بخش نيم محرى را درياب
پيش از آن كز نفس خلق مكدرد
صائب تبريزى

هر كنج سعادت كه خدا داد به حافظ
از يمن دعای شب و ورد محرى بود
حافظ

ولا تحسبن الحزن يبقی فإنه
شهاب حرقٍ واقد ثم خامدٌ
سَتَأَلْفُ فُقْدَانَ الَّذِي قَدْ فَقَدْتَهُ
كإلفك وجدان الذي أنت واجدٌ
ابن الرومي

رسید شده که ایام غم نخواهد ماند
چنان ماند چنین نیز هم نخواهد ماند
حافظ

نخواهد ماند کس دائم بر یک حال
گل پارین نخواهد رست اسال
ندارد عهد کیتی استواری
چه خواهی کرد غیر از سازگاری
پروین اعتصامی

دَعِ الْأَحْزَانَ وَاهْجُرْهَا مَلِيًّا
وَ عَانِقِ بِالرِّضَا وَهَجِ التُّرْبِيًّا
هِيَ الدُّنْيَا فَلَا تَأْسَفْ عَلَيْهَا
وَ إِن خَابَتْ ظُنُونُكَ يَا أُخْيَا
فَلَوْ دَامَتْ لِعَيْرِكَ أَوْ لِعَيْرِي
لَمَا وَصَلَتْ إِلَيْكَ وَ لَا إِلَيَّا
الإمام الشافعي

برخیز و محو غم جهان گذران
بشین و دمی بر شادمانی گذران
د طبع جهان اگر وفایی بودی
نوبت تو خود نیامدی از دگران
خیام



فاطمه احمدی، کارشناسی ورودی ۹۷

رومانتیسم

به آن رمانتیک یا رمانتیکی هم گفته میشود که به معنی خیال و وهم یا موضوع غیرعملی [احساسی] است و هم چنین خرافه و دلبری و قهرمانی یا افکار و احساسات که با تجربه و زندگی واقعی پیوندی ندارد و به معنی آنچه مربوط به عشق و داستان های عاشقانه است رمانتیک همان هیجان و شور و خروش است و پر از شور و شوق و افکار رمانتیک و احساسی است.

رومانتیک یک جنبش ادبی و هنری است که در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم به عنوان پاسخی به کلاسیک به روز شده شناخته شد. و از ویژگی های این است که؛ شاعرانه بودن و خیال بر عقل سیطره دارد. شعر رمانتیک آن است که بر احساسات و عاطفه تکیه میکند که این ادبیات تخیل و احساسات جوشان انسانی است که به عشق و آزادی باور دارد. رمانتیک نیز طبیعت را دوست دارد و در آن زندگی می کند و آن را تصویر می کند و احساساتش را از طریق آن بیان می کند و شهر و سروصدای آن را باز می گرداند.

رومانتیسم در شرق در نتیجه درگیری بین قدیم و جدید و بین مدرنیته و سنتی و با تقلید از شاعران غربی همانطور که در برخی از شاعران این تقلید دیده میشود؛ ظهور کرد. رومانسیه امتداد شعر عربی است که در اصل غنائی و رومانسی بوده. رومانسیه در موشحات بصورت خاص و ویژه ظاهر شد، و به اروپا توسط تروبادور انتقال یافت، تروبادور کولی هایی که بین فرانسه و اروپا در دوران تیره اروپا (قرون وسطا) جا به جا می شدند [از این کشور به کشور دیگر می رفتند]

الرومانسیمیة

الرومانسیمیة و الرومانطیقیة و هی من کلمة «رومانتیک» و تعنی الخیالیّ أو الوهمیّ أو غیر العملیّ و كذلك الخرافیّ و الفروسیّ. و البطولیّ أو افکارا و مشاعر لامت إلى تجربة و الحیاة الواقعیة بصلّة، و تعنی المولع بقصص الحبّ و المغامرات الغرامیة و هو المتقدّم، مشبوب العاطفة ذو الأفكار الرومانسیة.

و الرومانسیة حركة ادبیة و فنیة عرقتها أوروبا فی أواخر القرن الثامن عشر و مطلع التاسع عشر کرد علی الكلاسیکیة المحدثة.

و من میزاتها تفوق الشاعریة و الخیال علی العقل. و الشعر الرومانسی هو الذی يعتمد علی العاطفة فهو أدب الخیال و المشاعر النابغة من إنسان یؤمن بالحبّ و الحریة.

كما یعشق الرومانسمة الطبیعة فیعیش فیها و یصورها و یعبّر عن إحساساته من خلالها، و یأنف المدینة و ضوءها.

و قد ظهرت الرومانسیة فی الشرق نتیجة الصراع بین القدیم و الجدید و بین الحدائث و التراث، و بتقلید الشعراء الغربین كما یری بعضهم، أو أنها كانت امتدادا للشعر العربی الذی هم غنائی و رومانسی فی الأصل، و تجسدت رومانسیة خاصّة فی شعر الموشحات، و التي انتقلت إلى أوروبا و لاسیما فرنساعلی يد «التروبادور» العجر الذین كانوا ینتقلون بین فرنسا و اسبانیا فی عصور أوروبا المظلمة.

أَلِنَاسُ مِنْ جِهَةِ الْآبَاءِ أَكْفَاءُ
أَبُوهُمْ أَدَمُ وَ الْإِمُّ حَوَاءُ
وَ قَدْرُ كُلِّ امْرِئٍ مَا كَانَ يُحْسِنُهُ
وَ لِلرِّجَالِ عَلَى الْأَفْعَالِ أَسْمَاءُ
فَفِزْ بِعِلْمٍ وَ لَا تَطْلُبْ بِهِ بَدَلًا
فَالِنَاسُ مَوْتَى وَ أَهْلُ الْعِلْمِ أَحْيَاءُ

امام على (ع)